

اثربخشی آموزش کارآفرینی بر رشد صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی هنرجویان شاخه کاردانش
Effectiveness of entrepreneurial training to increase entrepreneurial traits of students of conservatory

Farba Parsamanesh
Naser Sobhi Gharamaleki
Hamed Barmas

فریبا پارسامنش

کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

ناصر صبحی قراملکی

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

حامد برماس

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

Abstract

Aim: The purpose of this study is the effectiveness of creative thinking skills training programs to increase entrepreneurial traits in students of conservatory. **Method:** The study is a quasi-experimental intervention (pretest, posttest) with the control group and applied research – fundamental. For this purpose, 42 randomly selected from the community and they divided into experimental and control groups and two-stage pre-test were evaluated. Data collection tool, was the entrepreneurship questionnaire Moghimi (1388). To analysis, were used the mean and standard deviation and T test. **Results:** Results showed that creative thinking skills training, significantly has increased entrepreneurial traits in students of conservatory in the experimental group.

Keywords: entrepreneurial training, Entrepreneurial traits, Confidence, Creativity, Independence, Creativity

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر اثربخشی آموزش کارآفرینی بر رشد صفات کارآفرینی در هنرجویان شاخه کار دانش بود. **روش:** طرح پژوهشی حاضر از نوع نیمه آزمایشی مداخله ای با پیش آزمون و پس آزمون و دو گروه کنترل و آزمایش است. به همین منظور از جامعه آماری مورد نظر، تعداد ۴۲ نفر به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب و به طور مساوی در دو گروه (آزمایش و کنترل) جای گرفته و در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون مورد ارزیابی قرار گرفتند. وسیله سنجش مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه کارآفرینی مقیمی (۱۳۸۸) بود. داده-های پژوهش پس از استخراج با استفاده از روش آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون T) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **نتایج:** نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که آموزش کارآفرینی بر رشد صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی در هنرجویان شاخه کار دانش تاثیر دارد ($p > 0/05$).

واژه های کلیدی: آموزش کارآفرینی، صفات کارآفرینی، اعتماد بنفس، نوآوری، استقلال، خلاقیت

مقدمه

بر اساس اهداف کاردانش که همانا تربیت نیروی متخصص جهت ورود مستقیم به بازار کار است و تمام امکانات و ابزار جهت رسیدن به این هدف، که خود نیز وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف بالاتر است، فراهم می‌شود. بنابراین فارغ التحصیلان کاردانش برای دستیابی به شغل باید با ترکیب تخصص خود و آگاهی از بازار کار آن رشته و نیز دانستن فنون کارآفرینی، اقدام به ایجاد شغل مورد نظر خود نمایند تا به آرمان‌های متعالی کاردانش جامعه ی عمل بپوشانند. از آنجا که نوآوری ویژگی اصلی کارآفرینی و خلاقیت هسته اصلی فعالیت‌های کارآفرینانه به شمار می‌آید، کارآفرینی نتیجه نظام‌مند فرآیند بکارگیری خلاقیت و نوآوری به منظور استفاده از فرصت‌ها و نیازها در بازار می‌باشد. خلاقیت عبارتست از خلق ایده‌های جدیدی که مفید و باارزش باشند و نوآوری نتیجه خلاقیت و استفاده موثر از ایده‌هایی است که بیشتر بر تولید یا خدمات تاکید دارند (پرداختچی، ۱۳۸۵).

بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان درباره‌ی ویژگی‌های کارآفرینان اظهارنظر کرده‌اند: مک‌کله‌لند (۱۹۶۱) نیاز به موفقیت، نوآوری و پذیرش مسئولیت را مطرح می‌کند. روتر^۲ (۱۹۶۶) بر ویژگی مرکز کنترل تاکید کرد. رابینسون^۳ و ... (۱۹۹۱) نیاز به موفقیت را مطرح کرد. گرم^۴ (۱۹۹۷) خلاقیت، ریسک‌پذیری و ارزش‌ها را مطرح کرد. توماس^۵ (۲۰۰۴) ده ویژگی اصلی کارآفرینان را در قرن ۲۱ مطرح کرده است که عبارتند از: شناسایی و استفاده از فرصت‌های سودآور^۶، کاردانی و تدبیر^۷، خلاقیت^۸، تفکر مستقل^۹، سخت‌کوشی^{۱۰}، خوش بینی^{۱۱}، نوآوری^{۱۲}، ریسک‌پذیری (به نقل از پرداختچی، ۱۳۸۵).

احمد پور و مقیمی (۱۳۸۶) پس از بررسی و تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر پژوهش‌های خود، مهمترین ویژگی‌ها را برای کارآفرینان به صورت زیر جمع‌بندی کرده‌اند: حالت‌های ذهنی مثبت، نیاز به موفقیت، تمایل به ریسک و مخاطره، گرایش به خلاقیت و نوآوری، روحیه شکست‌ناپذیری، مرکز کنترل درونی، نیاز به استقلال. در مطالعه انتریالگو و همکارانش (۲۰۰۰) کانون کنترل، توفیق طلبی و تحمل ابهام از شاخصه‌های مطرح برای کارآفرینی بوده‌اند. در مطالعات استیوارت و همکاران نیاز به موفقیت، مخاطره‌پذیری، نوآوری، اعتماد به نفس و تحمل ابهام، به عنوان مؤلفه‌های تمایز کارآفرینان از مدیران سازمانی عنوان شده‌اند.

بررسی و مطالعه تحولات گسترده دو دهه آخر قرن بیستم نشان می‌دهد که خلاقیت به عنوان ویژگی اصلی کارآفرینان موفق، هسته اصلی فعالیت‌های کارآفرینانه، جوهره اساسی کلیه فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی است. (دو بونو^{۱۳} ۲۰۰۳، بارون^{۱۴} ۲۰۰۳، لیپمن^{۱۵} ۲۰۰۳). گیلفورد^{۱۶} یکی از روان‌شناسان متقدم این دیدگاه طی مطالعات گسترده دریافت که خلاقیت نوعی توانایی عمومی است که همه افراد بشر از آن برخوردارند (گیلفورد، ۱۹۵۹).

² Rotter

³ Robinson

⁴ Gorman

⁵ Thomas

⁶ Profitable opportunities

⁷ Associate and manage

⁸ Creativity

⁹ Independent thinking

¹⁰ Hard work

¹¹ Optimism

¹² Innovation

¹³ Debono

¹⁴ Barron

¹⁵ Lipman

¹⁶ Guilford

در گذشته افسانه‌ای شایع بود که کارآفرینان دارای ویژگی ذاتی هستند و این ویژگی‌ها همراه با آنان متولد می‌شود بنابراین فرض اساسی افسانه این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی‌یابند. اما امروزه کارآفرینی به عنوان رشته‌ای علمی مورد شناسایی قرار گرفته که فروپاشی این افسانه قدیم را به دنبال داشته است. تحقیقات جدید کارآفرینی را به عنوان فرایند علمی مطرح شده که آموزش می‌تواند در ارتقای آن موثر باشد، به اثبات رسانده است. برای مثال در مطالعه ای، هانینگ (۲۰۰۴) دریافت که آموزش کارآفرینی بینش افراد را بالا می‌برد و کمک می‌کند تا افراد در فرایند کارآفرینی بهتر و موفق‌تر عمل کنند. نکته مهم و قابل توجه در آموزش کارآفرینی این است که در آموزش کارآفرینی روش‌های رسمی و غیررسمی آموزش با هم ترکیب می‌شوند. در واقع آموزش کارآفرینی بر روی مهارت، نگرش و رفتار تمرکز کرده و موجب ارتقای مهارت، توسعه نگرش و تغییر رفتار افراد می‌شود. تحقیقات متنوع و گوناگونی، ویژگی‌های خاصی از شخصیت را به عنوان خصوصیات کارآفرینان مورد آنالیز و بررسی قرار داده‌اند. بررسی‌های صورت گرفته توسط محققان دیگر از جمله گارنیر (۱۹۷۳)؛ داگلاس (۱۹۷۶)؛ توسط کارلسون (۱۹۹۴)؛ سنگر (۱۹۹۷)؛ مک مولان و گیلین (۱۹۹۸)؛ چارنی و لیبی کیپ (۲۰۰۰) نیز بیانگر تأثیر آموزش کارآفرینی بر افراد است. (به نقل از مذبحی و همکاران، ۱۳۹۰)

مطالعه ماسالوبیا (۲۰۰۸) براساس تحلیل محتوای ۲۰ مقاله مرتبط با اهداف کارآفرینی نشان می‌دهد که مهمترین اهداف آموزش کارآفرینی به ترتیب اهمیت عبارت است از: تقویت روحیه کارآفرینی، شروع کسب و کار، خدمت به اجتماع و برانگیختن مهارت‌های کارآفرینی.

بنابر این امروزه کارآفرینی، فرآیندی اکتسابی شناخته شده که در ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری و استقلال در افراد، و نیز آموزش کارآفرینی به نوبه خود در گسترش روحیه کارآفرینی و توسعه کسب و کار جدید در جامعه، انکارناپذیر است. به طور خلاصه می‌توان گفت برای آموزش کارآفرینی از شیوه‌های: سخنرانی، بحث گروهی، روش حل مساله، مصاحبه با یک کارآفرین، بازدیدهای علمی و تدوین طرح کسب و کار، می‌توان استفاده نمود (فیض، ۱۳۸۶).

دیویس و گیب^{۱۷} (۱۹۹۱) معتقدند روش آموزش‌های سنتی بیشتر بر تئوری و رویکرد آموزشی تمرکز دارد، بنابراین روش سنتی برای آموزش کارآفرینی مناسب نیستند چراکه دوره‌های کارآفرینی باید افراد را تشویق کند به جای اینکه مانند دیگران قالبی فکر کند با استفاده از مهارت تفکر خلاق به شیوه‌های مختلف مسائل را بررسی کند.

از آنجایی که ویژگی‌های کارآفرینانه از جمله: خودباوری، اعتماد به نفس^{۱۸}، خلاقیت، استقلال و نوآوری نقش بسیار مؤثری در راه‌اندازی کسب و کار اقتصادی و توسعه فعالیت‌های شغلی در جامعه خواهد داشت. به همین دلیل است که با هدف ارتقای توانمندی فردی جهت راه‌اندازی کسب و کار، آموزش کارآفرینی در برنامه درسی دوره‌های کاردانش لحاظ گردیده است تا هنرجویان بتوانند در کنار دانش و مهارت حرفه‌ای و تخصصی موجبات اشتغال‌زایی را نیز فراهم نمایند.

بنابراین با تکیه بر ادبیات پژوهش هدف از انجام پژوهش حاضر سنجش میزان اثربخشی آموزش‌های کارآفرینی بر رشد صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی و خرده‌مقیاس‌های آن: اعتماد به نفس، نوآوری، استقلال، خلاقیت در هنرجویان شاخه کاردانش است. با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی در می‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود به بیان دیگر ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. کارآفرین،

¹⁷ Davies & Gibb

¹⁸ Confidence

کسی است که با داشتن ویژگی‌هایی چون تحمل ابهام، مخاطره‌پذیری، کانون کنترل درونی، و سایر ویژگی‌های شخصیتی، فرصت‌های کسب و کاری موجود در بازار را غنیمت شمرده و با استفاده از فرآیند خلاقیت و نوآوری از آن فرصت‌ها بهره‌برداری می‌کند. بر اساس نتایج چهارمین ارزیابی شاخص‌های استاندارد و جهانی کارآفرینی در ایران، (۱۳۹۰) که از طریق ۳۳۶۰ پرسشنامه از جمعیت بزرگسال انجام شد، شاخص کارآفرینی نوپا (TEA) در ایران برابر ۱۲.۳۸ است که در میان ۶۰ کشور عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی در رتبه ۱۸ قرار دارد. در واقع، در طول ۴۲ ماه گذشته از هر ۱۰۰ نفر در ایران حدود ۱۰ نفر درگیر راه‌اندازی یا مدیریت کسب کار جدید بوده‌اند. و شاخص کارآفرینی تثبیت شده در ایران برابر ۱۲/۱۸ است. همچنین شاخص قصد کارآفرینانه در ایران، یعنی درصد افرادی که قصد دارند در ۳ سال آتی فعالیت و کسب و کاری را راه‌اندازی کنند برابر ۳۲/۷۲ می‌باشد این بدان معنا است که در میان هر ۱۰۰ نفر ایرانی ۳۲ نفر کارآفرین بالقوه هستند، رتبه این شاخص در میان کشورهای عضو رتبه ۱۴ جدول است (دیده‌بان جهانی کارآفرینی^{۱۹}، ۱۳۹۰).

تأکید نظام آموزش بر افزایش مهارت فراگیران و نیز ضرورت ارائه درس کارآفرینی به‌منظور ایجاد انگیزه کارآفرینی و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه و آموزش تکنیک‌های خلاقیت، نوآوری، طراحی و سازماندهی کسب و کار، مدیریت، تقویت دانش و مهارت است. سیاست‌های مناسب و افزایش توان کارآفرینی یک جامعه (از جمله مهارت‌ها و انگیزه‌ها)، بیشترین تأثیر را در گسترش کارآفرینی دارد. کارآفرینی به عنوان یک نیروی اقتصادی قابل بحث که در حدود دو دهه قبل در جهان ظهور پیدا کرده است کوراتکو(2005).

جونز و انگلیش(۲۰۰۴) معتقدند، آموزش کارآفرینی توانایی افراد را جهت خلق ایده‌ها و انجام تحقیقات تقویت می‌کند، کاربرد تجاری این ایده‌ها را بالا می‌برد و در نهایت مهارت‌های حفظ و بهبود شرکت‌های نوپا را در افراد ایجاد می‌کند. کوراتکو(۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان ظهور آموزش کارآفرینی بیان کرده است که انقلاب کارآفرینی سراسر کره زمین را در بر گرفته است و به طور غیر قابل انکاری دنیای کسب و کار را تحت تأثیر قرار داده است. چو(۱۹۹۸) معتقد است که آموزش کارآفرینی انگیزش، دانش و مهارت لازم را برای راه‌اندازی کسب و کار موفق توسط دانشجویان فراهم مینماید. آنگونه که یلی‌نیا(۲۰۰۹) استدلال می‌کند کارآفرینی از زمان کار شومپینتر(۱۹۳۴) به عنوان موتور محرکه توسعه و رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. دیوی(۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی کارآمدی برنامه درسی کارآفرینی" نشان می‌دهد، که آموزش کارآفرینی به اولویت دارترین موضوع در دانشگاهها تبدیل شده است

از آنجاکه یکی از اهداف شاخه کاردانش آماده ساختن فرد برای زندگی شغلی و اجتماعی است. فرد پس از پایان تحصیلات کاردانش و رسیدن به سن کار و فعالیت انتظار دارد از تلاش‌های خود در زمینه پایه‌گذاری یک زندگی مستقل و اشتغال بهره‌برداری کند. حال اگر نیروی پرورش یافته توسط نظام آموزش و پرورش نتواند نیاز جامعه به نیروی ماهر، نیمه ماهر، استاد کار و سرپرست را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برآورده سازد می‌توان گفت که نظام آموزش و پرورش پاسخگوی نیاز جامعه نیست. در این میان ایجاد آمادگی در هنرجویان و هنرآموزان شاخه کاردانش برای بازار کار و خود اشتغالی با آموزش کارآفرینی بنظر لازم و ضروری می‌آید.

¹⁹ GEM

²⁰ Jones & English

²¹ Kuratko

با توجه به بررسی وضعیت کارآفرینی در ایران و نیز اهمیت کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی کشور، ضرورت توسعه کارآفرینی خصوصا در شاخه کاردانش حائز اهمیت است و انجام پژوهش‌هایی از این دست ضروری بنظر می‌رسد. لذا این مقاله در صدد است تا به آموزش مهارت‌های مربوط به کارآفرینی به عنوان یکی از استراتژی‌های اساسی توسعه کارآفرینی بپردازد. و به دنبال بررسی این مسأله است که دوره‌های آموزش مهارت‌ها با توجه به صرف وقت و هزینه بالا آیا منجر به افزایش مهارت‌های کارآفرینی می‌شود. در نتیجه بمنظور مشخص ساختن میزان دستیابی دانش‌آموختگان شاخه کاردانش به ویژگی‌های شخصیتی مربوط به کارآفرینی اجرای پژوهش حاضر ضروری بنظر می‌رسد.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر، یک طرح نیمه آزمایشی مداخله‌ای است که به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل انجام شد که از جمله تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. جامعه پژوهش حاضر، دربرگیرنده کلیه هنرجویان شاخه کاردانش شهرستان کرج است. نمونه تحقیق حاضر، شامل ۴۲ نفر از هنرجویان هنرستان پویش ناحیه یک شهرستان کرج است که به طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۱ نفر) و گروه کنترل (۲۱ نفر) جای گرفتند. در این طرح، مداخله به شیوه آموزش کارآفرینی به عنوان متغیر مستقل و رشد صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. آزمون به کاررفته (پرسشنامه کارآفرینی) در تحقیق، قبل و بعد از مداخله (آموزش کارآفرینی)، اعمال شد و نتایج به دست آمده در دو مرحله (پیش‌آزمون و پس‌آزمون و در دو گروه) مورد مقایسه قرار گرفتند. بمنظور توصیف داده‌ها از میانگین و انحراف معیار؛ و بمنظور تحلیل استنباطی داده‌ها از روش آمار استنباطی - آزمون میانگین دو گروه همبسته (برای مقایسه دو به دو میانگین‌ها در دو نوبت پیش‌آزمون پس‌آزمون) و از آزمون میانگین دو گروه مستقل برای نمره‌های افتراقی (برای مقایسه دو گروه آزمایش و کنترل) استفاده شد که با استفاده از برنامه SPSS تحت ویندوز (۲۰۰۷) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

بمنظور اندازه‌گیری و ارزیابی صفات یا ویژگی‌های افراد در ارتباط با کارآفرینان موفق از پرسشنامه کارآفرینی مقیمی (۱۳۸۸) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۲ مشخصه یا ویژگی است که از پنج طیف (دو منفی دو مثبت) امتیاز بندی می‌شود، امتیاز بالاتر که به صورت مثبت است، بیانگر سهم بیشتر فرد از صفات مشترک با کارآفرینان موفق است که بالاترین امتیاز در این آزمون ۴۴ امتیاز است. پایایی این پرسشنامه برابر ۰/۹۶ می‌باشد.

ابزار: بمنظور ارائه آموزش‌های کارآفرینی از کتاب درسی کارآفرینی ویژه هنرجویان کاردانش استفاده شد.

یافته های پژوهش

توصیف داده‌ها

جدول (۱). شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی نمره صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی و خرده‌مقیاس‌های آن

مقیاس	گروه	نوبت اجرای آزمون	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
صفات شخصیتی	آزمایشی	پیش آزمون	۲۱	۱۳/۷۸	۹/۷۲
		پس آزمون	۲۱	۲۴	۹/۰۴
	گواه	پیش آزمون	۲۱	۱۴/۴۵	۷/۱۴
		پس آزمون	۲۱	۱۴/۲۲	۸/۶۶
اعتماد بنفس	آزمایشی	پیش آزمون	۲۱	۰/۴۴	۱/۵
		پس آزمون	۲۱	۱/۳۴	۰/۹۵
	گواه	پیش آزمون	۲۱	۰/۶۶	۱/۲۳
		پس آزمون	۲۱	۰/۷۶	۰/۶۷
نوآوری	آزمایشی	پیش آزمون	۲۱	۰/۵۵	۱/۱۳
		پس آزمون	۲۱	۱/۴۵	۰/۸
	گواه	پیش آزمون	۲۱	۰/۹۴	۰/۸۸
		پس آزمون	۲۱	۰/۹۱	۰/۸۱
استقلال	آزمایشی	پیش آزمون	۲۱	۰/۵۹	۱/۴۵
		پس آزمون	۲۱	۱/۷۸	۰/۸۵
	گواه	پیش آزمون	۲۱	۰/۸۹	۰/۷۷
		پس آزمون	۲۱	۰/۸۸	۰/۸۱
خلاقیات	آزمایشی	پیش آزمون	۲۱	۰/۴۶	۱/۱۷
		پس آزمون	۲۱	۱/۵۸	۰/۶۲
	گواه	پیش آزمون	۲۱	۰/۸۷	۰/۷۵
		پس آزمون	۲۱	۰/۸۵	۰/۸۱

با توجه به نتایج جدول شماره یک میانگین نمرات مقیاس کلی و خرده‌مقیاس‌های آن در مرحله پس‌آزمون بالاتر از نمرات پیش-آزمون است. مقایسه میانگین‌ها در تصاویر شماره (۱) و (۲) ملاحظه می‌شود.

باتوجه به اینکه نمره‌های دو نوبت اجرا (پیش‌آزمون، پس‌آزمون) در مقایسه بایکدیگر به عنوان نمره گروه‌های همبسته می‌باشند از آزمون میانگین دو گروه همبسته استفاده شد و نمره‌های دو گروه آزمایش و گواه به عنوان نمره گروه‌های مستقل، در نظر گرفته شد که برای مقایسه دو به دو میانگین‌ها از آزمون میانگین دو گروه مستقل برای نمره‌های افتراقی استفاده شد. فرضیه اصلی- آموزش مهارت تفکر خلاق بر رشد کلیه صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی در هنرجویان کاردانش تاثیر مثبت دارد.

فرضیه فرعی (۱) - آموزش مهارت تفکر خلاق بر رشد اعتماد بنفس هنرجویان کاردانش تاثیر مثبت دارد.

فرضیه فرعی (۲) - آموزش مهارت تفکر خلاق بر رشد نوآوری هنرجویان کاردانش تاثیر مثبت دارد.

فرضیه فرعی (۳) - آموزش مهارت تفکر خلاق بر رشد استقلال هنرجویان کاردانش تاثیر مثبت دارد.

فرضیه فرعی (۴) - آموزش مهارت تفکر خلاق بر رشد خلاقیات هنرجویان کاردانش تاثیر مثبت دارد.

برای مقایسه دو به دو میانگین‌ها (در دو نوبت اجرا) از آزمون میانگین دو گروه همبسته استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول (۲). نتایج آزمون میانگین دو گروه همبسته

مقیاس	نوبت اجرای آزمون	میانگین تفاوت ها	انحراف استاندارد تفاوت ها	خطای استاندارد میانگین	df	**t
صفات شخصیتی	پیش آزمون	-۴/۲۳	۶/۳۴	۱/۱۱	۴۱	-۴
	پس آزمون					
اعتماد بنفس	پیش آزمون	-۰/۴۲	۱/۲	۰/۷۶	۴۱	-۲/۵۶
	پس آزمون					
نوآوری	پیش آزمون	-۰/۳۶	۰/۸۲	۰/۲۲	۴۱	-۲/۲۲
	پس آزمون					
استقلال	پیش آزمون	-۳/۸۸	۰/۱	۰/۱۵	۴۱	-۲/۴۵
	پس آزمون					
خلاقیت	پیش آزمون	-۰/۵۵	۰/۱	۰/۱۵	۴۱	-۲۳/۰۶
	پس آزمون					

** P < ۰/۰۵

با توجه به جدول شماره (۲) نتیجه می‌گیریم که میانگین نمره‌های آزمون بین دو نوبت اجرا (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) پس از آموزش مهارت تفکر خلاق با یکدیگر تفاوت معنادار آماری دارند. برای مقایسه دو گروه نمره‌های افتراقی (تفاضل نمره دو نوبت اجرا) آزمودنی‌ها در مقایسه‌های دو نوبت اجرا (پیش‌آزمون-پس-آزمون) محاسبه شده و سپس در این مقایسه با استفاده از آزمون میانگین دو گروه مستقل، میانگین نمره‌های افتراقی در گروه آزمایشی و گروه گواه آزمون شده که نتایج حاصل در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول (۳). نتایج آزمون میانگین دو گروه مستقل برای نمره‌های افتراقی

اندازه اثر	آزمون میانگین دو گروه مستقل				آزمون یکسانی واریانس‌ها	نمره‌های افتراقی		نوبت اجرا (الف)	نوبت اجرا (ب)	مقیاس
	درجه آزادی	خطای استاندارد تفاوت	تفاوت میانگین‌ها	F		انحراف استاندارد	میانگین			
مجذور اینتا	**t	درجه آزادی	خطای استاندارد تفاوت	تفاوت میانگین‌ها	F	انحراف استاندارد	میانگین	پس آزمون	پیش آزمون	صفات شخصیتی
	۴/۹۹	۴۱	۱/۶۳	-۱۰/۴۵	۴۶/۵۶	۷/۶۱	-۱۰/۲۲			گواه
۰/۳۸۴						۰/۸۵	۰/۲۳			گواه
	۰/۰۹۷	۲/۰۸	۴۱	۰/۳۵	-۰/۸	۷/۵	۱/۰۳	-۰/۹		اعتماد بنفس
۰/۰۹۷						۰/۵۵	-۰/۱			گواه
	۰/۱۵۱	۲/۶۷	۴۱	۰/۳۳	-۰/۹۳	۰/۲۱	۰/۷۸	-۰/۹		نوآوری
۰/۱۵۱						۰/۰۸	۰/۰۳			گواه
	۰/۱۸۶	۳/۰۲	۴۱	۰/۲۸	۱/۲	۱۴/۰۲	۱/۲۲	-۱/۱۹		استقلال
۰/۱۸۶						۰/۴۶	۰/۰۱			گواه
	۰/۱۷۱	۲/۸۸	۴۱	۰/۳۱	۱/۱۴	۳۸/۴۷	۰/۹۶	-۱/۱۲		خلاقیت
۰/۱۷۱						۰/۰۱	۰/۰۲			گواه

** P < ۰/۰۵

نتایج جدول شماره (۳) حاکی از تفاوت معنادار در نمرات گروه آزمایش و گروه کنترل است. همانطور که ملاحظه می‌شود، فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت میانگین نمره‌های افتراقی بین دو گروه آزمایشی و گواه در هر دو مقایسه رد شده است. با در نظر گرفتن این امر که در مقایسه بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون، آنچه باعث ایجاد نمره‌های افتراقی در گروه آزمایشی شده تدبیر آزمایشی (آموزش مهارت تفکر خلاق) و متغیرهای مزاحم دیگر هستند و در گروه گواه صرفاً متغیرهای مزاحم باعث ایجاد

تفاوت در دو نوبت اجرا شده‌اند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنادار مشاهده شده ناشی از آموزش مهارت تفکر خلاق است.

* نتیجه‌گیری پژوهشی: آموزش مهارت تفکر خلاق باعث افزایش مقیاس کلی صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی و خرده-مقیاس‌های آن می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از تاثیر مثبت آموزش کارآفرینی بر رشد صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی است، طبق نظریه صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی چنانچه در عرصه آموزش کارآفرینی به افراد، ویژگی‌های شخصیتی، مدنظر قرار گیرند، برنامه‌های آموزش کارآفرینی می‌توانند با اثربخشی بیشتری زمینه شکوفایی افراد در عرصه کسب و کار را فراهم آورند. کارآفرینی که خود نیز یکی از ابعاد شخصیتی فرد کارآفرین است شامل: اراده؛ ریسک‌پذیری؛ هوشیاری و نوآوری استقلال، اعتماد بنفس، خلاقیت است. کارآفرین کسی است که با انگیزه‌های گوناگون و با داشتن یک هدف مشخص؛ پس از شناسایی زمینه‌های مناسب و نوین تولید؛ اقدام به درآمدزایی می‌کند.

یکی از صفات بارز شخصیتی افراد کارآفرین خلاقیت و به طبع آن نوآوری است که مطالعه تحولات گسترده اخیر نشانه می‌دهند که خلاقیت، به عنوان جوهره اساسی کلیه فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی است که با، تغییر جهت نظام‌های آموزشی از ارائه برنامه‌های صرفاً آموزشی به سوی برنامه‌های تربیت تفکر خلاق، میتوان عمیقاً ارکان نظام‌های آموزشی را دگرگون ساخت. مطالعات گسترده در این زمینه نشان می‌دهد که خلاقیت نوعی توانایی عمومی است که همه افراد بشر از آن برخوردارند. این شیوه یا سبک از تفکر، که اکتسابی و قابل آموزش است، کمک می‌کند تا افراد در موقعیت‌های دشوار و مسئله‌ساز که به اتخاذ تصمیم‌های کلیدی نیاز دارند بتوانند به مشکل‌گشایی پرداخته و در مواجهه با موقعیت‌های مبهم بصیرت خود را به کار گرفته و ضمن پرهیز از نتیجه‌گیریهای خام به راه‌حلی معقول دست یابند.

از آنجا که سیستم‌های آموزشی ما تمرکز بسیار زیادی بر مهارت‌های استدلالی با توالی زمانی دارند، توانایی‌های خلاقانه کاملاً تحت الشعاع قرار گرفته‌اند و اغلب نه تنها مریبان بلکه اولیای با حسن نیت، کارمندان و مدیران نیز فعالانه از بروز این توانایی جلوگیری می‌کنند. هدف آموزش کارآفرینی باید استفاده از تمامی ویژگی‌های مغز باشد. آنچه مورد نیاز است یک توازن بهتر و ارزش قایل شدن برای همه توانایی‌های تفکر است. باید یاد بگیریم که چگونه از این توانایی‌ها استفاده کنیم و این توانایی‌ها را برای تفکر و حل مسئله یا به کارگیری کل مغز در هم آمیزیم.

هدف اساسی آموزش کارآفرینی باید تلاش برای پرورش سبک تفکر به شیوه‌ای باشد که افراد بتوانند ضمن شناسایی و برخورد با مشکلات و موانع بتوانند آنها را بردارند. وجود یک زمینه فرهنگی مشوق موجب بروز فرصت‌های فراوان برای رشد خلاقیت می‌شود چرا که فرهنگ مشوق به افراد جرات و شهامت ابراز عقاید می‌دهد و موجبات تقویت قوه ریسک‌پذیری را فراهم می‌آورد و همواره به توسعه عرصه‌های نوین اخلاقی، علمی و عملی می‌انجامد.

در این مسیر باید به فکر استفاده از «تفکر خلاق» به عنوان شیوه‌ای بسیار مؤثر در مبارزه با عوامل محدودکننده رفتارهای مؤثر خلاق بود و بمنظور ارتقاء صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی می‌توان از آموزش مهارت تفکر خلاق و مهارت حل مسئله استفاده کرد چرا که بر اساس تحقیقات بهترین شیوه آموزش صفات مربوط به کارآفرینی، آموزش مهارت مسئله‌گشایی و تفکر خلاق است.

منابع:

احمدپورداریانی، محمود و مقیمی، سیدمحمد، (۱۳۸۶): " مبانی کارآفرینی"، چاپ چهارم، انتشارات فراندیش

- پرداختچی، محمد حسن و شفیع زاده، حمید.(۱۳۸۵). کارآفرینی سازمانی. چاپ اول ارسباران. ص ۹۱.
- دوبونو، ادوارد (۱۳۸۰)؛ «تفکر جانبی، فن آموزشی جدید در مدیریت ذهنی»؛ ترجمه عباس بشارتیان، شرکت چاپ قدس .
- دیده بان جهانی کارآفرینی ایران.GEM.(۱۳۹۰). چهارمین شاخص های استاندارد و جهانی کارآفرینی در ایران/ <http://www.gemiran.ir>
- صادقی مال امیری، منصور.(۱۳۸۶). خلاقیت. ناشر: تهران، دانشگاه امام حسین.
- فیض، داود.(۱۳۸۶). روشهای تدریس کارآفرینی در نظام آموزش عالی. مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، انتشارات دانشگاه سمنان.
- مذبوحی، سعید؛ شرفی، محمد؛ مقدم، مینا.(۱۳۹۱). برنامه درسی آموزش کارآفرینی: هدف، محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی. مجله ابتکارات و خلاقیت در علوم انسانی، شماره ۱، سال ۹۷. ۹۰-۱۳۰.
- مقیمی، سید محمد. (۱۳۸۸)، سازمان و مدیریت: رویکردی پژوهشی"، چاپ دوم، تهران، انتشارات ترمه.
- Barron,F.(2003). Creativity thinking, London SAGE.
- Carlson, S. (۱۹۹۴) Entrepreneurship education for the multiple cognitive developmental levels of third graders: Differential impacts of three experience-based programs(Doctoral Dissertation, University of California, Los Angeles.
- Cho,B.(۱۹۹۸). Study of the effective entrepreneurship education method and its process.Business Education Research, ۲(۱):۲۷-۴۷.
- Davey, M.(2005). The efficacy of the elementary level entrepreneurs in Action curriculum EdD. School: peaboly college.
- Davies, L.G,& Gibb.AA.(1991).Recent research in entrepreneurship proceeding of the 3rd Interntional E LASM.Work shop. Cowwer.London.
- Ekval,G.(1993). Innvation and creativity, London open University press.
- Entrialgo, M., Fernández, E. and Vázquez, C. J. (2000) 'Characteristics of Managers as Determinants of Entrepreneurial Orientation: Some Spanish Evidence', Enterprise & Innovation Management Studies 1(2): 187-205.
- Guildford,J.(1959). Treuds in creativity , New York: Wiley.
- Honig, Benson, (2004) "Entrepreneurship Education: toward a model of contingency-based business planning", Academy of management learning and Education, Vol.3, No.3, PP 258-273.
- Jones ,Colin ؛ English, Jack, (2004) "A contemporary approach to entrepreneurship education", Education + Training, Vol. 46 Iss: 8/9, pp.416 – 423
- Kuratko, D.F. (۲۰۰۵). The emergence of entrepreneurship education: Development, trends, and challenges. Entrepreneurship Theory and Practice, ۲۹(۵), ۵۷۷-۵۹۸.
- Lipman,M. (2003). Philosophy for children, Muontclair State University.
- McClelland, D. (1961). The Achieving Society. New York: Free Press. ctive on creativity, London. sege.
- Mwasalwiba, E.S.(۲۰۰۸). Entrepreneurship education: a review of its objectives, teaching methods, and impact indicators. Education + Training Vol. ۵۲ No. ۱, pp. ۲۰-۴۷
- Ylinenp., H .(۲۰۰۹). 'Entrepreneurship and Innovation Systems: Towards a Development of the ERIS/IRIS Concept', European Planning Studies, ۱۷(۸) ۱۱۵۳-۱۱۷۰.
- Zentmehyilie,T.(2003).A system perspective on creativity, London.sege.

